

اندیشه های نوسازی و اقتدارگرایی از نگاه مطبوعات تهران (۱۳۰۰ - ۱۳۰۴ ه.ش)

دکتر علی اکبر خدروی زاده^۱
فاطمه دانش شکیب^۲

چکیده

نوسازی و اصلاحات در ایران از دوران قاجار از طریق حکومت، به صورت اصلاحات از بالا پدیدار شد. لیکن به علل گوناگون و از همه مهم تر به علت شکل حکومت خودکامه و اقتدارگرایی قاجار ناکام ماند. با برقراری نظام مشروطه، انتشار مطبوعات و فعالیت احزاب سیاسی مورد توجه مشروطه خواهان قرار گرفت و به یکی از موضوعات مهم تبدیل شد. همین امر باعث به فراموشی سپردن اصلاحات گردید. علاوه بر آن، بحران های سیاسی - اجتماعی عصر مشروطه و مشکلات ناشی از اشغال ایران در جنگ جهانی اول مانع از تداوم نوسازی و اصلاحات اقتصادی شد. پس از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش اندیشه ی ضرورت نوسازی و اقتدارگرایی بار دیگر مطرح گردید، اما به دلیل گستردگی و فراگیر بودن مفهوم نوسازی در دوره ی موردنظر، جناح های گوناگون سیاسی رویکردهای متنوع و متفاوتی راجع به اولویت های نوسازی ارائه کردند که بازتاب اندیشه های آنان را می توان در مطبوعات آن دوره مشاهده کرد. در این مقاله تلاش شده است با بازخوانی و تجزیه و تحلیل برخی از نشریات سال های ۱۳۰۰-۱۳۰۴ ه.ش به بررسی دیدگاه های آن ها در باب نوسازی، اقتدارگرایی و موانع آن پرداخته شود.

واژگان کلیدی: مطبوعات، نوسازی، پهلوی اول، ارتش، بی سواد، زبان فارسی، عدلیه

^۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

مسئول مصاحبه: m_danesh.shakib@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۱

مقدمه

واژه ی نوسازی ریشه در اقتصاد سیاسی غرب دارد و معادل کلمه ی "Modernization" در انگلیسی و فرانسه است. این کلمه مترادف با تغییر، تحول، ترقی، پیشرفت، توسعه، رشد، اصلاحات و همچنین به معنای تغییر وضعیت قبلی و تبدیل آن به وضعیتی جدید بوده، به طور خاص در جامعه شناسی تغییرات اجتماعی نامیده می شود (پرویزیان، ۱۳۵۵: ۲۶) که عبارت از تحولات بارز و بادوامی است که در طول زمان در شکل اجتماعی و تاریخی یک جامعه اثرگذار باشد (گی روشه، ۱۳۸۹: ۲۶). در ایران روشنفکران برای کلمه ی مدرنیزاسیون واژه ی نوسازی و تجدد را انتخاب کردند، این کلمه به معنای تمدن و ترقی و معنایی برتر از توسعه داشت (خلیلی خو، ۱۳۷۲: ۷).

عباس میرزا را می توان نخستین اصلاحگر عملگرای ایران نامید. با این حال، اندیشه های نوسازی را در این زمان می توان در سفرنامه های ایرانیان فرنگ رفته مشاهده کرد. این سفرنامه ها قدیم ترین نظرات در باب نوسازی می باشند. در دوران ناصرالدین شاه با مسافرت یا مهاجرت ایرانیان به کشورهای همسایه و آشنایی با فرهنگ و تمدن غرب، اندیشه های نوسازی با سرعت بیشتری به ایران راه یافت (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۱۴). علاوه بر آن، تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر در رشد اندیشه های نوسازی نقش بسزایی داشت (قلفی، ۱۳۷۹: ۴۲). البته نوسازی (تجدد) عصر قاجار را نمی توان نوسازی دموکراتیک دانست. بلکه نوسازی آن ها بر پایه ی نوسازی غیر دموکراتیک یا انقلاب از بالا (اصلاحات اقتدارگرا) قرار داشت. همان روشی که در کشورهای آلمان و ژاپن اجرا شده بود و در ایران نیز پس از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش بار دیگر در قالب دولت مطلقه ی رضا شاه مطرح و اجرا گردید.

اندیشه ی اصلاح طلبانه ی عصر مظفرالدین شاه را می توان در میان منورالفکران و سازمان ها و تشکل های نیمه مخفی یافت، که نقش مهمی در پیروزی جنبش مشروطه ایفا کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۹۸). پیروزی مشروطه باعث تشکیل مجلس، تدوین قانون اساسی، تأسیس مدارس و انتشار روزنامه شد و به طور کلی باعث آزادی اندیشه و زبان گردید. در نتیجه، آثار مکتوب فراوانی مربوط به اندیشه های نوسازی از این زمان به دست ما رسیده است (صالحی، ۱۳۸۷: ۳۲). به طور کلی، می توان اندیشه های نوسازی خواسته شده توسط روشنفکران مشروطه خواه را در مدرنیسم، پارلمانتاریسم و سکولاریزم خلاصه کرد، که در قانون اساسی مشاهده می شود (خلیلی خو، همان: ۹۲). البته درخواست های بزرگان مشروطه خواه در عمل در جامعه ی مدنی تحقق نیافت و کمتر از دو سال از عمر مشروطه، مجلس به

دستور محمد علی شاه به توپ بسته شد (سردار نیا، ۱۳۸۹: ۱۷۴). اندیشه های نوسازی از دوران مشروطه تا فتح تهران را می توان به دوره ی دو ساله ی مجلس اول (-۱۳۲۴ ۱۳۲۶ ه.ق) و دوره ی سیزده ماهه ی استبداد صغیر (۱۳۲۶-۱۳۲۷ ه.ق) تقسیم کرد (صالحی، همان: ۳۲).

فتح تهران در سال ۱۳۲۷ ه.ق منجر به عزل محمدعلی شاه و در نتیجه پایان استبداد صغیر، به تخت نشستن احمد میرزا ولیعهد و افتتاح مجلس دوم شد. پیدایش احزاب سیاسی در مجلس دوم در روند نوسازی نقش مهمی داشت (قلفی، همان: ۵۹). با منحل شدن مجلس دوم در سال ۱۳۳۰ ه.ق به دلیل اولتیماتوم روسیه، ناصرالملک نایب السلطنه امور کشور را به عهده گرفت (کسروی، ۱۳۷۸: ۴۸۲). دوران فترت با توجه به فقدان مجلس، مسافرت های ناصرالملک به اروپا، منحل شدن احزاب، دخالت بیگانگان و از بین رفتن حکومت مقتدر مرکزی، باعث به وجود آمدن بحران در سطح کشور شد (صالحی، همان: ۱۲۳-۱۲۴). به همین علت اندیشه های نوسازی در جهت رفع بحران ها و رفع عقب ماندگی کشور حرکت کرد (همان: ۱۸۵). سرانجام نایب السلطنه زیر فشار احزاب و افکار عمومی، دستور شروع انتخابات مجلس سوم را در سال ۱۳۳۳ ه.ق داد. این رویداد همزمان با تاجگذاری احمد شاه و جنگ جهانی اول در اروپا شد (شمیم، ۱۳۴۲: ۵۵۱-۵۵۲). از اندیشه های حاکم در مجلس سوم می توان به ناسیونالیسم، لیبرالیسم، غرب گرایی، تناقض میان روحانیان و روشنفکران و... نام برد (اتحادیه، ۱۳۷۲: ۱-۲).

با وقوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش و تأیید کودتا توسط احمدشاه و نخست وزیر شدن سید ضیاء، دوران جدیدی در تاریخ ایران آغاز شد که می توان آن را عصر نوسازی و اصلاحات به شیوه ی غربی نامید. رهبران سیاسی و نظامی کودتا نیز در بیانیه های خویش، به صورت جدیدی از اصلاحات در امور کشوری و لشکری سخن گفته اند (شجیعی، ۱۳۴۴: ۱۳۵-۱۳۶). در این مقطع حساس، احزاب سیاسی و جریانات روشنفکری با توجه به تجربیات سال های بعد از مشروطه، دریافتند که نوسازی جامعه بدون تقویت دولت مرکزی امکان پذیر نیست؛ بنابراین برای اجرای شیوه ی اصلاحات از بالا (اصلاحات اقتدارگرانه)، رضا خان را به عنوان دیکتاتور پذیرفتند. وی نیز در راستای نوسازی به برخی از خواست های آنان، مانند ناسیونالیسم، سکولاریسم، اصلاحات اداری و ... جامعه ی عمل پوشاند (ملائتی توانی، ۱۳۸۱: ۱۹۰). در واقع، از دید جریانات روشنفکری پذیرفتن این دیکتاتوری پایانی بر هرج و مرج بود (اتابکی، ۱۳۸۵: ۳۰).

نوسازی ارتش و نظریه ی سربازگیری اجباری

مطالعه و بررسی مطبوعات تهران طی سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ه.ش بیانگر نگرش نوسازی مبتنی بر اقتدار دولت مرکزی است. برای نمونه، نشریه ی هفتگی پهلوی^۱ تنها راه مهم ارتقاء و نوسازی کشور را در داشتن ارتش مقتدر می داند و با بیان این مطلب که ارتش ایران در مقایسه با کشورهای متمدن فاقد اطلاعات و دانش لازم جنگی می باشد، توسعه ی مدرسه ی نظام را از اقدامات ضروری ترقی ارتش ذکر می کند و بر این باور است که برای تدریس در این مدارس به جای استفاده از معلمان خارجی بهتر است عده ای برای تحصیل فنون جنگی به اروپا اعزام شوند تا ایران از لحاظ جنگی متکی به خارجیان نباشد (مجله پهلوی، سال ۱، ش ۲۳، ۲۷ ثور ۱۳۰۳ ه.ش).

روزنامه ی شفق سرخ^۲ نیز وظیفه ی قشون را «حفظ امنیت و ممانعت از یاغگیری و طغیان سرکشها و عوامل اجانب» می داند و وجود آن را برای حفظ کشور لازم می شمارد و از مهم ترین موانع در راه نوسازی ارتش را کارشکنی های قدرت های بزرگ به دلیل ترس آنان از توانا شدن ایران در صحنه ی جهانی عنوان می کند (شفق سرخ، س ۳، ش ۳۷، ۸ اسد ۱۳۰۲ ه.ش).

ماهنامه ی آینده^۳ با بیان این مطلب که ارتش ایران یک سپاه منظم و برای حفظ امنیت داخلی کافی است، راه گسترش ارتش و قوی تر شدن آن را در قانون نظام اجباری می داند و بر این اعتقاد است که کشور دارای ارتش منظم و مقتدر اساس استقلال، باعث اقتدار و امنیت در کشور است (آینده، س ۱، ش ۲، مرداد ۱۳۰۴ ه.ش).

نشریه ی دیگر این دوره، نوبهار^۴ نیز در حمایت از برنامه ی نظام اجباری در مقالاتش، شیوه ی صحیح نوسازی کشور را در سربازگیری اجباری خلاصه می کند و توضیح می دهد ایران برای داشتن کشوری امن، دولت مستقل، حکومت مقتدر مرکزی که عشایر مسلح نتوانند تهدیدی برای آن باشند، باید از لحاظ نظامی به آن درجه از قدرت برسد که مورد

۱. به مدیریت یاور حسینعلی خان رزم آرا ملقب به افتخار نظام در تهران تأسیس شده است. شماره ی اول آن برابر با ۲۲ اسفند ۱۳۰۲ ه.ش می باشد. این نشریه عنوان هفتگی داشته است.

۲. شفق سرخ به مدیریت علی دشتی انتشار یافت. شماره ی اول آن در ۱۱ اسفند ۱۳۰۰ ه.ش منتشر شد.

۳. شماره ی اول آن در تیر ۱۳۰۴ به مدیریت دکتر محمود افشار انتشار یافت. آینده در معرفی خود، خود را مجله ای سیاسی و ملی با قسمت های تاریخی، ادبی، اجتماعی، اقتصادی و غیره دانسته است.

۴. نوبهار از سال ۱۳۳۳ ه.ق با انتخاب ملک الشعراء به نمایندگی مجلس از مشهد به تهران انتقال یافت و نشریه ای سیاسی و خبری بود (رجوع کنید به تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، ج ۴، ص ۳۱۱).

احترام تمام ملل متمدن قرار گیرد. همچنین، این مسئله را در نوسازی کشور چنان مهم می داند که اجباری کردن نظام وظیفه را قبل از انجام هر اصلاحی لازم و ضروری می شمارد: «...اگر ایران قبل از داشتن یک قوه نیرومند مکفی دست بهر اصلاحاتی بزند بی نتیجه و خطای محض است...». در پایان با خطاب به اصلاح طلبانی که خواستار نوسازی کشور در زمینه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... هستند، بیان می کند: «...یا باید با این آرزوها بمیرند و یا نظام اجباری داشته باشند...». بزرگ ترین نتایج نظام اجباری را به وجود آمدن حس وطن پرستی و سلحشوری در افراد کشور، قدرتمند شدن ارتش، حذف ملوک الطوائفی و داشتن یک کشور متمرکز می داند (نوبهار، س ۱۳، ش ۲۲، ۸ عقرب ۱۳۰۱ ه.ش).

ستاره^۱/ایران نیز با بیان این مطلب که امنیت یکی از ارکان اصلی دوام یک کشور می باشد، عقیده دارد در ایران امنیت و قدرت لازم و ملزوم یکدیگرند (ستاره/ایران، س ۹، ش ۱۹۷، ۸ جوزای ۱۳۰۳ ه.ش). به همین دلیل نظام اجباری را یک قدم بزرگ برای حفظ استقلال کشور می داند و بیان می دارد این قانون اقتدار و عظمت ایران را در جهان به دلیل امنیتی که در داخل کشور به وجود می آورد بالا خواهد برد، این امنیت لازمه ی اصلاحات است: «...روح مملکت عدالت است، امنیت است، نظم است، کار و شغل و صنعت است که از عدالت و امنیت و نظم تولید می شود...» (ستاره/ایران، س ۹، ش ۱۶۹، ۲۷ حمل ۱۳۰۳ ه.ش). در مقاله ای دیگر، «صبا» ضمن توضیح لوایح ارائه شده در کابینه ی سردار سپه، لایحه ی «تکمیل قوای دفاعیه مملکت و گذراندن قانون خدمت نظامی عمومی» را تأیید می کند و آن را برای اصلاحات کشور ضروری می داند (ستاره/ایران، س ۹، ش ۱۶۸، ۲۶ حمل ۱۳۰۳ ه.ش).

گلشن^۲ نیز در مقاله ای تحت عنوان «علوم و قشون» این دو عنصر را در هر عصر و زمان عامل ترقی و حافظ استقلال ملت، امنیت، رفاه، رونق تجارت، ازدیاد ثروت و مکنّت می داند و قشون قوی را در مقابل هجوم دشمنان همچون سدی محکم و استوار می شمارد که مانع نفوذ بیگانگان به داخل کشور می شوند (گلشن، س ۵، ش ۷۳، ۸ حوت ۱۳۰۱ ه.ش).

۱. ستاره ایران در تهران به مدیریت میرزا حسین خان صبا ملقب به کمال السلطان در سال ۱۳۳۳ ه.ق تأسیس شد. پس از مرگ صبا در سال ۱۳۰۳ ه.ش این نشریه با امتیاز اعتصام زاده از ۲۱ دی ۱۳۰۳ ه.ش منتشر شد (رجوع کنید به تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، ج ۲، ص ۱۷).

۲. گلشن در سال ۱۲۹۶ ه.ش به مدیریت و سردبیری آسید محمدرضا امیر رضوانی در تهران انتشار یافت و توقیف شد. تا اینکه در سال ۱۲۹۹ ه.ش از توقیف خارج گردید و مجدداً انتشار یافت (رجوع کنید به تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، ص ۱۶۳). شماره ی اول سال پنجم آن ۱۷ تیر ۱۳۰۰ ه.ش می باشد.

تذکر^۱ نیز در راستای نوسازی ارتش با چاپ متن بیانیه ی ۸ اسفند ۱۲۹۹ ه.ش سید ضیاء الدین طباطبایی آن را فراموش ناشدنی خوانده و بر آن صحنه گذاشته است. بر این اساس، لازمه ی نوسازی در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را امنیت می داند و عقیده دارد به وجود آوردن و حفظ آن تنها با تشکیل ارتش ممکن خواهد شد. «...فقط سپاهیان ما قادرند که حیات و هستی مملکت را تأمین نموده ترقی و سعادت و اقتدار را فراهم سازند قبل از همه چیز و بالاتر از همه چیز قشون هر چیز اول برای قشون و باز هم قشون این است اراده و مرام ما تا زمانی که قشون بدرجات عالیه خود نائل گردد...» (تذکر، س ۲، ش ۱۲، ۱۰ حمل ۱۳۰۲ ه.ش).

زنبور^۲ نیز در مقاله ای با عنوان «زنده باد سردار سپه پاینده باد عظمت ایران»، عظمت ایران را مترادف با ارتش قوی دانسته، بر این باور است که، هر ایرانی که خواهان استقلال کشور و عدم دخالت خارجیان در امور داخلی آن باشد، باید خواستار نیروی نظامی نیرومند باشد: «...بلی قدرت قشون و ابهت نظام است که ما را از قید سلاسل عبودیت اجانب می رهند دشمنان استقلال و آزادی ما را بعظمت خود تهدید می نماید...». وی اقدامات سردار سپه در این راستا را می ستاید (زنبور، س ۱، ش ۷، ۶ حوت ۱۳۰۱ ه.ش).

مجله ی نظمیه^۳ نیز ضمن بیان ابهت «تشکیلات عظیمه قشون»، شاه پهلوی را دلیل این عظمت بر می شمارد و قشون قوی را دلیل برتری کشور می داند (نظمیه، س ۱، ش ۴، آذر ۱۳۰۴ ه.ش).

روزنامه ی ناهید^۴ را می توان از طرفداران جدی اصلاحات سردار سپه در راستای نوسازی ارتش به حساب آورد. این نشریه اقدامات سردار سپه در راستای نوسازی ارتش ایران را قابل تقدیر می داند (ناهید، س ۴، ش ۱۳، ۳۰ جوزای ۱۳۰۳ ه.ش). بعدها پس از توقیف در نشریه ی

۱. شماره ی اول سال اول مجله ی تذکر در مرداد ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافته، این نشریه در روی جلد خود را چنین معرفی کرده است: «تذکر مجله ای است دیناتی، اخلاقی، ادبی و مندرجات آن بیشتر مقالات مربوط بتفسیر آیات قرآنی و امور دینی و اخلاقیست».

۲. به مدیریت ع. شرف الملک در تهران انتشار یافت. نخستین شماره ی آن در سال ۱۳۰۰ ه.ش انتشار یافته، خود را روزنامه ای «سیاسی اجتماعی اخلاقی» معرفی می کند.

۳. توسط سرهنگ محمد خان درگاهی رئیس کل تشکیلات نظمیه ی ایران در تیر ماه ۱۳۰۴ ه.ش انتشار یافت. این مجله در صفحه ی اول خود را «مجله ای اداری، علمی، فنی، ادبی، اخلاقی» معرفی کرده است.

۴. روزنامه ی ناهید در تهران به مدیریت میرزا ابراهیم خان ناهید تأسیس شد. شماره ی اول آن در ۲۲ فروردین ۱۳۰۰ انتشار یافت. ناهید خود را «مجله ای اخلاقی، فکاهی، کاریکاتور» معرفی می کند.

ستاره صبح^۱ نیز بر این عقیده پافشاری کرده، با اعتقاد به نقش ارتش در عظمت کشور، تنها راه عظمت قشون را در بهبود اقتصاد دانسته، گفته است: مملکتی که ثروت داشته باشد، می تواند تعداد قشون خود را افزایش دهد و حتی هواپیما، کشتی جنگی و زیر دریایی بخرد (ستاره صبح (ناهد)، س ۱ (۴)، ش ۶، ۳۰ تیر ۱۳۰۴ ه.ش.).

میهن^۲ در باب نقش اقتصاد در عظمت و تعالی ارتش با ستاره صبح همفکر است. در مقاله ای به نام «فشار اقتصادی»، با ابراز نگرانی از انحطاط اقتصاد ایران، این بحران را به دلیل این که باعث می شود دولت از پس مخارج ارتش و پرداخت حقوق ارتشیان بر نیاید، خطرناک دانسته، با توجه به این که پرداخت حقوق به موقع به سربازان بسیار مهم است، آن را باعث از بین رفتن قشون به حساب می آورد (میهن، س ۴، ش ۱، ۳۰ حوت ۱۳۰۱ ه.ش.).

پروانه^۳ هم سردار سپه را به دلیل نوسازی قشون که باعث به وجود آمدن امنیت و اقتدار در دولت مرکزی شده، قابل تقدیر دانسته، وی را «یگانه فرزند برومند ارجمند ایران» خوانده است (پروانه، س ۳، ش ۳، ۸ اسد ۱۳۰۳ ه.ش.).

حیات^۴ نیز با بیان این مطلب که قشون برای بقا و اقتدار کشور لازم است، خواستار بسط این وزارتخانه و زیاد شدن بودجه ی وزارت جنگ می باشد. با این حال، ضمن انتقاد به سردار سپه و با اشاره به مشروطه بودن کشور، عقیده دارد بودجه ی وزارت جنگ نیز باید در مجلس تصویب شود (حیات، س ۱، ش ۸، ۲۹ سنبله ی ۱۳۰۱ ه.ش.).

هفته نامه ی قشون^۵ نیز از نام آن پیداست مجله ای است که در راستای اخبار راجع به ارتش چاپ می شده است. این نشریه دلیل عظمت قشون را اقدامات سردار سپه دانسته،

۱. ستاره صبح پس از توقیف ناهید به جای این روزنامه منتشر شده است. اولین شماره ی آن در ۱۳ تیر ۱۳۰۴ ه.ش با همان آرم و لوگوی ناهید انتشار یافته، خود را روزنامه ای «اخلاقی، فکاهی، کاریکاتور» معرفی می کند. نام صاحب امتیاز و سردبیر را عنوان نکرده و با این علامت (!؟) بیان کرده است. مدیر مسئول را س.ح. مقدس زاده معرفی نموده است.

۲. روزنامه ی میهن در شهر اصفهان به مدیریت میرزا ابوطالب خان شیروانی در سال ۱۲۹۸ ه.ش تأسیس شد. از سال ۱۲۹۹ ه.ش در تهران انتشار یافت و تا ۳۰ اسفند ۱۳۰۴ ه.ش منتشر می شده است (رجوع کنید به تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، ج ۴، صص ۲۴۵ تا ۲۵۱).

۳. روزنامه ی پروانه در تهران توسط علی محمد خان متشار زاده در سال ۱۳۰۰ تأسیس شد و از تیر سال ۱۳۰۳ ه.ش به مدیریت سید حسینخان میر سعیدی انتشار یافت (رجوع کنید به تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، ج ۲، صص ۵۳ تا ۵۶).

۴. روزنامه ی حیات به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی فلسفی، شماره ی اول آن در ۶ حمل ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافت. حیات خود را چنین معرفی می کند: «این روزنامه مروج معارف و طرفدار حقوق عوام است».

۵. این نشریه در سال ۱۳۰۱ ه.ش منتشر شد. از انتشارات وزارت جنگ بود. روی جلد نیز نشان وزارت جنگ چاپ می شده است. مدیریت نشریه با نوبخت بوده است.

قشون مقتدر را برای حفظ تمامیت ارضی ایران و حذف ملوک الطوائفی مهم معرفی کرده است. در این زمینه تا آنجا پیش می رود که تنها راه گام برداشتن کشور در مسیر نوسازی و اصلاحات را داشتن ارتش عظیم، با صلابت و مقتدر بیان می کند (قشون، س ۱، ش ۱، حوت ۱۳۰۰ه.ش).

احشو یوروش^۱ نیز درباره ی نقش سردار سپه در تعالی ارتش با قشون هم عقیده است و در شعری خطاب به وزیر جنگ، از اقداماتش در راستای نوسازی ارتش تقدیر می کند و بیان می دارد ایران ویران پس از حضور وی تبدیل به «گلستان» شده است (احشویوروش، س ۱، ش ۲، ۱۲ صفر ۱۳۴۰ه.ق، ۱۳۰۱ه.ش).

نشریه ی پیکان^۲ هم تنها راه نوسازی کشور را پذیرفتن تمدن غرب می داند و بر این باور است که یکی از این مظاهر تمدن، داشتن ارتشی مقتدر است. این نشریه راه تجهیز قشون را در دو عامل بسیار مهم پول و اسلحه می داند واز بیان این مطلب نتیجه می گیرد که تنها راه به دست آوردن ارتشی قوی، بهبود اوضاع اقتصادی است. همچنین نقش انگلیس را در تخریب اقتصاد ایران مهم می داند و نتیجه می گیرد که انگلیس به این روش مانع ترقی قشون ایران می شود. زیرا ایران قوی می تواند به منافع آن کشور لطمه وارد کند. برای اثبات سخنانش به خرید اسلحه توسط ایران از کشور آلمان و ضبط این سلاح ها توسط انگلیس اشاره می کند (پیکان، س ۱، ش ۶۰، ۲۱ مهر ۱۳۰۲ه.ش).

قرن بیستم^۳ نیز از رشد و توسعه ی ارتش اظهار رضایت کرده، آن را «یگانه قوه دفاعیه مملکت» خوانده است (قرن بیستم، س ۱، ش ۳، ۳۱ ثور ۱۳۰۰ه.ش).

انعکاس^۴ نیز با حمایت از برنامه ی نظام اجباری، این اقدام را باعث ترس و در نتیجه حذف ملوک الطوائف می داند (انعکاس، س ۱، ش ۱۱، ۱۹ حمل ۱۳۰۲ه.ش).

^۱ این نشریه خود را از انتشارات جمعیت جوانان وطن و ناشر افکار این جمعیت دانسته، شماره ی اول آن در ۵ صفر ۱۳۴۰ ه.ق منتشر شده است که برابر با سال ۱۳۰۱ ه.ش می شود. صاحب امتیاز و مدیر مسئول این نشریه ابوالفضل قریب ابن حاجی شمس العلماء بود. در جایی عنوان می کند نام نشریه را از یکی از پادشاهان باستانی ایران اخذ کرده است.

^۲ پیکان در تهران به مدیریت محمد وثوق همایون انتشار یافت. شماره ی اول آن در ۱۱ اسفند سال ۱۳۰۱ منتشر شده است. این روزنامه هفته ای دو بار چاپ می شده است.

^۳ قرن بیستم به مدیریت میرزاده ی عشقی در تهران به چاپ رسیده. شماره ی اول آن در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۰ ه.ش منتشر شد. قرن بیستم خود را نشریه ای «هفتگی» معرفی می کند.

^۴ شماره ی اول این نشریه در ۳۰ دلو ۱۳۰۱ ه.ش توسط فریدون کاردار منتشر شد.

همچنین نهضت شرق^۱ در راستای نوسازی ارتش، وجود تجهیزات را لازم و ضروری می داند و بیان می دارد. «... قشونی که بخواهد حدود و ثغور خود را از تجاوزات و تخطیات اجانب یا از تمرّد و عصیان داخلی مصون و محروس بدارد ناچار است که قدم بقدم با ترقیات علمی و اختراعات جنگی دول اجانب پیش برود...» (نهضت شرق، س ۱، ش ۵، ۱۳ جدی ۱۳۰۰ ه.ش.).

روزنامه ی محشر^۲ نیز همانند سایر مطبوعات آن دوره از الگوی نوسازی اقتدارگرا جانبداری نموده، داشتن ارتش قوی را در اقتدار کشور مهم دانسته، به همین دلیل سردار سپه را «فوق تمام ایرانی» خوانده و اقدامات وی را در راستای نوسازی ارتش مهم شمرده است (محشر، س ۱، ش ۱۳، ۱۱ جوزای ۱۳۰۳ ه.ش.).

در یک جمع بندی کلی تقریباً در تمامی مطبوعات سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ه.ش به لزوم نوسازی ارتش به دلیل حفظ امنیت، حذف ملوک الطوائفی و اقتدار دولت مرکزی تأکید شده است. هدف این مطبوعات از ارتقا ارتش، علاوه بر سیاست داخلی، داشتن «وزن» برای ایران در سیاست خارجی نیز بوده است. در این راستا به دلیل افزایش تعداد و در نتیجه قدرت ارتش، نظریه ی سربازگیری اجباری مطرح شده است.

ضرورت اصلاح معارف و ریشه کن کردن بی سوادی

بدر^۳ در مقاله ای ریشه ی اصلی بدبختی جامعه را نادانی و ناآگاهی می داند و عقیده دارد برای پیشرفت باید این دشمن را از بین برد (بدر، س ۳، ش ۲۷-۲۸، ۱۷ اسد ۱۳۰۲ ه.ش.).

ماهنامه ی جهان زنان^۴ نیز نقش زیادی برای سواد عمومی به خصوص برای زنان قائل است و مهم ترین راه نوسازی کشور را در تعلیم و تربیت زنان می داند (جهان زنان، س ۱، ش ۵، میزان ۱۳۰۰ ه.ش.).

شفق سرخ هم نقش مدارس را در راستای نوسازی جامعه و تربیت افراد مهم می داند و در این مورد به کشورهای اروپایی اشاره می کند و از آن به عنوان تربیت ملی نام می برد.

۱. نهضت شرق در تهران به صاحب امتیازی ح. رجائی و مؤسس روزنامه احمد آذری می باشد. این نشریه در سال ۱۳۰۰ ه.ش انتشار یافت.

۲. این نشریه در تهران به مدیریت کاظم زاده ی علوی در سال ۱۳۰۲ ه.ش تأسیس شد. محشر خود را روزنامه ای اجتماعی و سیاسی می داند.

۳. روزنامه ی بدر در تهران به مدیریت محمد جناب زاده در سال ۱۳۰۰ تأسیس شد.

۴. مدیر نشریه ی فخر دین پارسا بوده است. ابتدا در شهر مشهد چاپ می شد. اولین شماره ی آن که در تهران چاپ شد که مربوط به سنبله ی سال ۱۳۰۰ ه.ش است.

همچنین از نبود آموزش ملی در ایران و از نفوذ بیگانگان در وزارت معارف ابراز تاسف می‌کند: «... در مملکت ما نه فقط معارف ملی نیست بلکه اصلاً هنوز تشخیص معارف را نداده‌اند مثلاً آرامنه، زردشتیها، کلیمپها هر یک در تهران یک مدرسه علیحده دارند و پا به مدارس مسلمانان نمی‌گذارند. در نتیجه از تاریخ و ادبیات ایران عاری هستند بلکه باز هم بدتر هر ملتی که با ایران رابطه برقرار کند در معارف مملکت دست می‌اندازد: فرانسوی، آمریکایی، روسی، آلمانی معارف خودشان را در مملکت ما ترویج می‌کنند...» (شفق سرخ، س ۲، ش ۴۳، ۲۷ اسد ۱۳۰۲ ه.ش).

فلق^۱ نیز نقش تعلیم و تربیت را در بالا رفتن سطح فکر مردم و در نهایت سطح فکر جامعه مهم ارزیابی می‌کند و توسعه‌ی آن و توجه به معارف، خصوصاً در باب زنان را با توجه به این که کودکان توسط مادران خود تربیت می‌شوند، یکی از راه‌های نوسازی کشور می‌داند و از این که وزارت معارف توجهی به مراکز تعلیم و تربیت بانوان نمی‌کند، از آن وزارتخانه انتقاد کرده است (فلق، س ۱، ش ۱، ۸ جدی ۱۳۰۱ ه.ش).

نشریه ستاره/ایران هم توجه ویژه‌ای به معارف داشته، در این راستا ترجمه‌ی کتاب‌های اروپایی به زبان فارسی را از اقدامات مهم اصلاحی می‌داند: «...پس بنظر ما تأسیس یک دارالترجمه عمومی و ملی که از تشکیلات اداره بازی خارج باشد و حقیقه اشخاص با علم و اطلاع را جمع کند از برای مملکت ایران خیلی واجب و خدمت بزرگی بمعارف شده است...». در حمایت از بسط معارف تا جایی پیش می‌رود که بیان می‌کند: «...ما باید بعضی از سفارتخانه‌ها و ادارات خود را تعطیل کنیم و بجای آن مؤسسه‌های معارفی بسازیم...» (ستاره/ایران، س ۹، ش ۱۰۶، ۱ دلو ۱۳۰۲ ه.ش). برای مثال به اتریش اشاره می‌کند که زمانی برای صرفه جویی اقتصادی همین کار را کرد. همچنین در مقاله‌ای به قلم دکتر افشار از ساخت مدارس جدید اظهار رضایت کرده، برای صرفه جویی خواهان ادغام این مدارس است با این توجیه که مدارس خوب و کم از مدارس زیاد و بد بهتر است (ستاره/ایران، س ۹، ش ۱۰۵، ۲۹ جدی ۱۳۰۲ ه.ش). همچنین تعلیم و تربیت زنان را برای نوسازی کشور مهم می‌شمرد (ستاره/ایران، س ۹، ش ۱، ۲ اسد ۱۳۰۲ ه.ش).

۱. روزنامه‌ی فلق در تهران به مدیریت صادق بروجردی در سال ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافت. این نشریه خود را «طرفدار مظلومان و کارگران» معرفی می‌کند.

روزنامه ی *ایران*^۱ متحدالشکل کردن کتاب های درسی در مدارس را از مسائل مهم به شمار می آورد و آن را در تعلیم و تربیت دارای فوائد عمده ای می داند. آن را از دید اقتصادی مورد بررسی قرار می دهد و تصمیم وزارت معارف را در راستای یکسان کردن کتاب های مدارس دولتی می ستاید (*ایران*، س ۹، ش ۱۸۴۹، ۵ تیر ۱۳۰۴ ه.ش.).

همچنین *ناهید* در خبری از پانزدهمین جشن فارغ التحصیلی در مدرسه ی عالی آمریکایی با اعلام سخنرانی زنان ایرانی که در این مجمع حضور داشتند، نقش زنان را در راستای نوسازی کشور مهم می داند. یکی از زنان سخنران راه رسیدن به توسعه و نوسازی کشور را افزایش تحصیلات زنان برمی شمارد و ساخت مدارس برای تعلیم و تربیت آنان را برای رسیدن به این امر مهم ضروری ارزیابی می کند (*ناهید*، س ۴، ش ۹، ۱۱ جوزای ۱۳۰۳ ه.ش.).

از نظر مجله ی *آینده* تعلیم و تربیت عمومی، اجباری و رایگان امری بسیار مهم، از وظایف مهم دولت برای نوسازی، البته پس از اصلاحات در قشون، مالیه و استقرار امنیت می باشد (*آینده*، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش.). همچنین در سلسله مقالاتی که تحت عنوان «تعلیم ابتدایی یا عالی؟» به قلم تقی زاده و میرزا عیسی خان صدیق، نمایندگان مجلس شورای ملی، چاپ می شده است، مسئله ی تعلیم و تربیت را مفصلاً مورد بررسی قرار داده است. تقی زاده عقیده دارد محال است هر گونه نوسازی در کشور بدون تعلیم و تربیت عمومی دوامی یابد (*آینده*، س ۱، ش ۳، مهر ۱۳۰۴ ه.ش.)، زیرا سواد عمومی باعث بالا رفتن سطح زندگی انسان می شود، اولین نتیجه ی باسوادی عمومی حس وطن پرستی است، حس وطن پرستی کلید ترقی و نوسازی به شمار می رود (*آینده*، س ۱، ش ۶، دی ۱۳۰۴ ه.ش.). در مقابل، صدیق معتقد است با وضعیتی که در جامعه ی امروز حاکم است، تعلیم عالی باید مقدم بر تعلیمات ابتدایی باشد، زیرا غرض از تعلیم و تربیت این است که ایران به صورت یک مملکت مترقی در آید، بنابراین به افرادی نیاز دارد که از عهده ی نوسازی کشور برآیند (*آینده*، س ۱، ش ۵، آذر ۱۳۰۴ ه.ش.).

گلشن نیز به نقش تعلیم و تربیت در روند نوسازی کشور اشاره کرده، بزرگ ترین اشکال و مانع در مدارس متوسطه را «کثرت مواد تدریس» دانسته است و عقیده دارد یادگیری این مطالب بسیار سنگین و خارج از توان دانش آموزان می باشد، زیرا دانش آموزان مجبور

۱. روزنامه ی *ایران* تأسیس در سال ۱۲۸۸ ه.ق به مدیریت محمد حسن خان اعتمادالسلطنه می باشد. ابتدا یک روزنامه ی دولتی بود، از اول فروردین ۱۳۰۲ ه.ش مستقل شد و مدیریت آن با میرزا زین العابدین راهنما قرار گرفت (رجوع کنید به جمهوری خواهی در *ایران*، غلامعباس مصلی نژاد، ص ۲۷۵).

هستند، علاوه بر فارسی، عربی و فرانسه و انگلیسی را نیز بیاموزند. به همین دلیل گلشن خواستار اصلاحاتی در زمینه ی معارف است (گلشن، س ۶، ش ۱۲، ۶ سنبله ی ۱۳۰۱ ه.ش). ماهنامه ی فروغ تربیت^۱ در مرامنامه ی مجله، هدف خود را «روشن ساختن مسائل تربیتی» می داند و عقیده دارد اصلاح طرز تعلیم و تربیت جوانان بسیار مهم می باشد. از بزرگان ملت می خواهد به این امر مهم توجه کنند، آموختن علم را «فراهم ساختن مقدمات صنعت و وسایل رفاه و سعادت مادی و دنیوی» می داند (فروغ تربیت، س ۱، ش ۱، ۱ حمل ۱۳۰۰ ه.ش).

نوبهار نیز راه رسیدن به نوسازی و اصلاحات در کشور را در اخلاقیات و بسط معارف عنوان می کند و این امر را بسیار مهم می داند (نوبهار، س ۱۳، ش ۵، ۱ عقرب ۱۳۰۱ ه.ش). نشریه ی کار^۲ در مقاله ای به نام «وزارت معارف»، این وزارتخانه را مؤسسه ای خوانده که «... کلیه سعادت ملت در دست آن است...». همچنین نوسازی وزارت معارف را منوط به اخراج عناصر وابسته به خارجیان از آن وزارتخانه دانسته است (کار، س ۲، ش ۷۱، ۱۶ میزان ۱۳۰۲ ه.ش).

روزنامه ی /حشویروزش علم را لازمه ی ترقی یک ملت برمی شمارد، بنابراین ساخت مدارس را از ادارات و مؤسسات دیگر مهم تر می داند. همچنین با بیان مهم بودن شغل معلمان، خواستار ارزش دادن به حقوق مادی آنان و بدون تأخیر پرداختن حقوق آنان است (/حشویروزش، س ۱، ش ۳، ۲۵ صفر ۱۳۴۰ ه.ق، ۱۳۰۱ ه.ش).

مرد آزاد^۳ نیز دلیل پیشرفت کشورهای متمدن را فقط در کلمه ی «مدرسه» خلاصه می کند و برای اثبات سخنانش ژاپن را مثال می زند. پیروزی ژاپن بر روسیه را نیز به دلیل تعلیم و تربیت صحیح آنان در مدارس می داند که حس وطن پرستی را در آنان تقویت کرده است (مرد آزاد، س ۱، ش ۲۸، ۲۸ حوت ۱۳۰۱ ه.ش).

نشریه ی پیکان اوضاع بد اجتماعی در شهرستان ها را حاصل فقدان معارف می داند (پیکان، س ۱، ش ۱۶، ۹ ثور ۱۳۰۲ ه.ش)، و دلیل این انحطاط را بی کفایتی وزیر وقت معارف

۱. فروغ تربیت در تهران به مدیریت میرزا ابوالحسن خان فروغی در سال ۱۳۰۰ ه.ش انتشار یافت. این نشریه ماهانه چاپ می شده است.

۲. نشریه ی کار در تهران در سال ۱۳۰۱ ه.ش به مدیریت ابوالفضل لسانی منتشر شد. شماره ی اول آن در ۱۵ اسفند ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافت. کار خود را روزنامه ای «سیاسی، اجتماعی، اقتصادی» معرفی می کند.

۳. در تهران به مدیریت داور تأسیس شد و شماره ی اول آن در بهمن ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافت. شعار این نشریه «اول اصلاح اقتصادی» می باشد که در بالای آن درج شده است.

محتشم السلطنه و عدم پاسخگویی مقامات عالی معارف در شهرستان ها به وی به شمار می آورد. از جمله به اصلاح معارف در کرمان اشاره می کند و شرط اصلاح را اعزام «مأمور فعلی که دارای معلومات علمی و اطلاعات اداری» باشد، برمی شمارد. همچنین دلیل انحطاط معارف در گیلان را نداشتن یک رئیس قابلی که به مقامات در مقابل اشتباهاتش پاسخگو باشد، عنوان می کند (پیکان، س ۱، ش ۲۲، ۱ جوزای ۱۳۰۲ ه.ش.).

حیات نیز به طور کلی از طرفداران «تعلیمات عمومی اجباری مجانی» بوده است. این نشریه، حیات سیاسی و اقتصادی هر ملتی را منوط به تعلیم و تربیت آن ملت می داند و ناکامی در زمینه ی نوسازی را نتیجه ی بی سوادی جامعه برمی شمارد (حیات، س ۱، ش ۱، ۶ حمل ۱۳۰۱ ه.ش.). توجه این نشریه به نقش معارف در نوسازی کشور تا جایی است که برابری بودجه ی وزارت جنگ و معارف را خواستار می شود (حیات، س ۱، ش ۸، ۲۹ سنبله ی ۱۳۰۱ ه.ش.).

همچنین تذکر با تأکید بر مهم بودن سواد در بین توده ی مردم، حتی زنان، و بیان اوضاع بد اقتصادی مردم، خواهان متحدالشکل کردن لباس در مدارس است: «...از حضرت وزیر معارف که شخص با دیانت و وجدانی است تمنا می شود که امر و مقرر فرمایند تا در کلیه مدارس اعم از (پسرانه یا دخترانه) البسه محصلین و محصولات یک رنگ بوده و قدغن اکید نمایند محصولات در موقع حضور بمدرسه از کلیه الماس و غیره را با خود حمل نمودن...» (تذکر، س ۱، ش ۲، ۱ سنبله ی ۱۳۰۱ ه.ش.).

ماهنامه ی بلدیة^۱ در راستای نوسازی معارف، خواستار ریاست مدارس ابتدایی توسط اداره ی بلدیة است: «...امیدواریم پس از تصویب قانون تعلیم اجباری بلدیة ها بتوانند اداره مدارس ابتدایی را که اولین کارخانه آدم سازی است در دست گرفته و بهتر از اینها بر ضد جهالت و عدم دیانت قیام نمایند...» (بلدیة، س ۴، ش ۱۰، آبان ۱۳۰۴ ه.ش.).

روزنامه ی حقیقت^۲ علل بدبختی ملت را در عدم سواد آنان می داند و با انتقاد از روشنفکران، آنان را در عدم نوسازی این وزارتخانه و بحرانی کردن آن مسئول می داند. وضعیت بحرانی معارف را مانع سعادت آینده ی ایران عنوان می کند و عقیده دارد تا این مانع

۱. مجله ی بلدیة در تهران در سال ۱۳۰۰ ه.ش از طرف اداره ی نشریات بلدیة منتشر شد. این مجله مدیر مسئول را رضا شهرزاد و خود را «مجله ای دارای مقالات اجتماعی، فنی و اطلاعات رسمی» معرفی کرده است.

۲. این روزنامه در تهران به صاحب امتیازی ع.بهبهانی و مدیر مسئولی س.م تأسیس شد و شماره ی اول آن در ۹ دی ۱۳۰۰ انتشار یافت. حقیقت خود را روزنامه ای «اجتماعی و طرفدار رنجبران و اتحادیه های کارگران» معرفی می کند و شعار روزنامه «رنجبر روی زمین اتحاد» است.

برطرف نشود، نمی توان در راه نوسازی کشور قدمی برداشت (حقیقت، س ۱، ش ۹۵، ۲۱ جوزای ۱۳۰۱ ه.ش). شرط اصلاح معارف را داشتن یک «وزیر جدی» و استفاده از افراد متخصص می داند (حقیقت، س ۱، ش ۱۰۳، ۱ سرطان ۱۳۰۱ ه.ش).

ندای قدس^۱ هم عقیده دارد، جوانان با یادگیری علوم و فنون غربیان نقش مهمی در نوسازی کشور ایفا می کنند (ندای قدس، س ۱، ش ۱، مهر ۱۳۰۴ ه.ش).

نشریه ی علم و اخلاق^۲ نیز از طرفداران جدی تعلیم اجباری و رایگان در سطح کشور بوده است. زیرا عقیده دارد در بین کسانی که شرایط تحصیل ندارند، افراد با استعدادی هستند که می توانند آینده ی کشور را دگرگون کنند. این اقدام را اولین وظیفه ی دولت در راستای نوسازی می داند، زیرا به نظر وی، هرگونه فساد اجتماعی و ناهنجاری اجتماعی ناشی از نبود تعلیم و تربیت است (علم و اخلاق، س ۱، ش ۴، ثور ۱۳۰۰ ه.ش).

به طور کلی، اصلاح معارف و عمومیت دادن سواد در بین اقشار جامعه، صرف نظر از جنسیت، به دلیل نوسازی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی، مورد توجه مطبوعات بوده، به خصوص نقش آموزش در بالا بردن حس وطن پرستی بسیار مورد توجه مطبوعات قرار می گرفته است.

لزوم اصلاح خط فارسی و تقویت زبان فارسی

الف. لزوم اصلاح خط فارسی

نشریه ی هفتگی دنیای امروز^۳ یکی از مجلات طرفدار تغییر خط فارسی است. این نشریه در شماره ی اول، ضمن توضیح یک خط جدید که با حروف لاتین و از چپ به راست نوشته می شد، مقالاتی با این خط در این شماره و شماره های بعد چاپ کرده است (دنیای امروز، س ۱، ش ۱ و ۳، ثور و جوزای ۱۳۰۱ ه.ش). همچنین در شعری از «رشید یاسمی» به نام «شکایت از خط فارسی»، اشکالات این خط را با زبان شعر بیان می کند و عقیده دارد، با در نظر گرفتن اشکالات خط فارسی، حتی اگر صدها کتاب هم خوانده شود، ادعای باسوادی سخنی گزاف است. نیز در ادامه این اشکالات را بسیار وسیع می شمارد و عقیده دارد برای فهرست کردن آن باید عمری جاودانه داشت. شاعر در پایان دو مشکل خط فارسی را از همه مهم تر می داند و عقیده دارد تنها با رفع این عیوب است که کودکان ایرانی می توانند خواندن و نوشتن را

^۱. در تهران به مدیریت حسین قدس انتشار یافت سال اول آن س ۱۳۰۴ ه.ش می باشد.

^۲. علم و اخلاق به مدیریت سید محمد حجت و صاحب امتیازی حبیب الله آموزگار بوده است.

^۳. دنیای امروز مجله ی هفتگی، تأسیس در سال ۱۳۰۱ ه.ش.

بیاموزند: «یکی فرق حروف ما به نقطه که زیر و رو ز یک تا سه فشانی / دگر خالی بدن ز اعراب کز بر ببايد فتح و ضممش را بدانی» (دنیای/امروز، س ۱، ش ۱، ثور ۱۳۰۱ ه.ش.).

دنیای/امروز برای اثبات سخنانش در خصوص لزوم اصلاح خط فارسی، در مقایسه ای با خط فارسی و فرانسه، با مشکل خواندن خط فارسی، بیان می کند، یادگیری آن برای کودکان دو سال زمان می برد، درحالی که کودکان فرانسوی در طول ۶ ماه خواندن و نوشتن را می آموزند. نویسنده دلیل عقب ماندگی کودکان ایرانی از فرانسوی را در همین مورد برمی شمارد و رشد و پیشرفت ایران را منوط به اصلاح خط می داند، و سخن مخالفان اصلاح خط به بهانه ی مخالفت با اسلام را رد می کند و آن را از تعصبات جاهلانه به حساب می آورد و برای توجیه آن، تصحیح خط در صدر اسلام را برای آموزش آسان تر مثال می زند و عقیده دارد اصلاح خط به هیچ روی منافاتی با اسلام ندارد (دنیای/امروز، س ۱، ش ۳، جوزای ۱۳۰۱ ه.ش.). آینده نیز در مقاله ای با عنوان «لزوم اصلاح خط فارسی» به عنوان مقدمه ی تاریخچه ی خط و چگونگی اختراع آن را توضیح می دهد و درباره ی نقاط ضعف الفبای فارسی سخن می گوید. نویسنده دلایل گرانی کتاب و جراید فارسی را اشکالات خط می داند که باعث گرانی هزینه ی چاپ می شود و بر آن تأکید می کند، یکی از علل عقب ماندگی ایرانیان سخت بودن الفبا می باشد. از مهم ترین راه های نوسازی کشور را آسان کردن و اصلاح الفبا می شمارد (آینده، س ۱، ش ۴ و ۵، آبان و آذر ۱۳۰۴ ه.ش.).

نوبهار نیز بر لزوم اصلاح خط فارسی تأکید می ورزد و بیان می کند، خط فارسی یکی از سخت ترین خطوط می باشد و همین مسئله باعث عقب ماندن ملت ایران از کسب علم و آموختن شده است. در انتقاد از خط فارسی تا جایی پیش می رود که آن را «خط منحوس مشکل» می خواند و هر گونه وابستگی خط فارسی با ملت ایران را رد می کند (نوبهار، س ۱۳، ش ۱۱، ۶ قوس ۱۳۰۱ ه.ش.).

ب. تقویت زبان فارسی

آینده، داشتن زبان رسمی از شمال تا جنوب کشور را یک امر مهم برای حذف اختلافات محلی و ملوک الطوایفی می داند و عقیده دارد، تنها در این صورت است که کشور از هر نظر یکدست می شود. مهم ترین پیشنهاد آینده برای رسمی کردن زبان فارسی عبارت است از: سوادآموزی اجباری، وساخت راه آهن، زیرا باعث افزایش ارتباطات مردم شهرهای مختلف ایران می شود، پخش کتاب و روزنامه به زبان فارسی و با قیمت نازل در شهرهای مختلف کشور و در این زمینه به ارزان تر بودن قیمت مجله/آینده در آذربایجان برای اجرای همین

سیاست اشاره می کند، جابه جایی ایلات را نیز در این راستا مهم می داند. همچنین به فارسی کردن اسامی و تقسیمات کشوری جدید اشاره کرده است (آینده، س ۱، ش ۲، مرداد ۱۳۰۴ ه.ش).

گلشن، اقدام وزیر جنگ را که علاوه بر نوسازی ارتش، کلمات خارجی را حذف کرده است، می ستاید و عقیده دارد این امر «... باعث شرف و فخر ایرانیان شده در مقابل دول همجوار می تواند عرض اندام نماید الفاظ اجنبیه را که مقاصد آن به هیئت جامعه خیلی مؤثر بود بکلی متروک و به جای دوزیون بریکارد رژیمان اسکادران ... قشون - لشکر - تیپ - فوج - بهادران و ... مجری و معمول فرمودند و». وی عقیده دارد، این اقدام باعث سربلندی اسلام و ایران است و آن را «خدمت بزرگ تاریخی» خوانده است (گلشن، س ۵، ش ۷۳، ۸ حوت ۱۳۰۱ ه.ش).

نوبهار زبان یک ملت را «نماینده افکار و اخلاق و حوایج آن ملت» می داند و عقیده دارد، زبان فارسی پس از هجوم ترکان و تاتاران دچار تغییرات سخیف و مستهجنی شده است. اصلاح ادبیات فارسی را با اصلاح اوضاع اجتماعی مرتبط می شناسد و با این حال، زبان فارسی را از رسانیدن مقصود، استعارات، تشبیهات و معانی بسیار کامل می داند (نوبهار، س ۱۳، ش ۱۱، ۶ قوس ۱۳۰۱ ه.ش) و عقیده دارد، ادبیات نقطه ی روشنی برای تمدن ایران زمین محسوب می شود و باید آن را حفظ کرد (نوبهار، س ۱۴، ش ۲۹، ۹ جوزای ۱۳۰۲ ه.ش).

ستاره / ایران، در مقاله ای به قلم ابوالقاسم اعتصام زاده، با معرفی آکادمی فرانسه و نقش این مؤسسه در تصحیح لغات و به طور کل حفظ ادبیات فرانسه، یکی از اقدامات لازم برای نوسازی ایران را «تأسیس آکادمی ادبی» ذکر می کند. وظیفه ی مهم این آکادمی را جداسازی زبان های عربی و اروپایی از زبان فارسی اختلاط می داند و عقیده دارد با عدم توجه به این موضوع زبان فارسی از بین می رود و این مسئله باعث ضربه زدن به استقلال ایران خواهد شد. در پایان وظیفه ی آکادمی را «... همان ترویج و تعمیم زبان فارسی معاصر...» می داند (ستاره / ایران، س ۹، ش ۱۳۶، ۸ حوت ۱۳۰۲ ه.ش). همچنین عقیده دارد، جنگ های داخلی و خارجی و هجوم طوایف وحشی و غیر متمدن باعث شده است زبان فارسی ساده که از گذشته ی باستانی ایران به ما رسیده، «بیک حالت آسف آوری» بیفتد و عقیده دارد اگر بخواهیم دست به اصلاح آن بزنیم، «با حالت حاضره دچار انواع موانع ناشی از تعصب و جهالت خواهیم شد». با این حال، وی زبان فارسی را «اصول استحکام رشته ملیت ایران» می خواند (ستاره / ایران، س ۹، ش ۱۳۱، ۲ حوت ۱۳۰۲ ه.ش). از اعزاز ایرانیان در سنین پایین برای ادامه ی تحصیل در اروپا انتقاد می کند و دلیل آن را عدم یادگیری زبان

فارسی در سطح بالا و عدم آشنایی با تاریخ ایران می داند که این باعث از بین رفتن حس وطن پرستی در تحصیل کودکان ایرانی می شود (ستاره/ایران، س ۹، ش ۱۰۳، ۲۶ جدی ۱۳۰۲ ه.ش).

در مجموع، می توان گفت رسمی کردن زبان فارسی در راستای حذف ملوک الطوایفی و متحد کردن اقشار مختلف، فارغ از قومیت و مذهب، مورد توجه مطبوعات قرار می گرفته است. همچنین اصلاح خط فارسی برای آسان کردن حروف الفبا و بالابردن سواد در جامعه مورد توجه برخی از نشریات بوده است.

نوسازی ساختار عدلیه

شفق سرخ با بیان این مطلب که عدلیه مکانی برای اجرای عدالت است، آن را مکانی برای تقلب می خواند، «...از اجرا وظیفه، از امانت و درستکاری از حل و تصفیه دعاوی، از سرعت جریان امور از رسیدگی به حقوق مظلومین در آن اثری نیست و فقط به جای همه اینها قوالی و حرافی و پرچانه گی و تقلب و کلاه سازی و پشت هم اندازی و زیر دستی در مطالعه و مناقشه و بلاخره خصایص و مزایای یک ملت باهوش ولی بی فضیلت و بد اخلاق در آن متمرکز شده است...». نوسازی عدلیه را برای کشور مهم می داند و با ناامیدی بیان می دارد، اصلاحات در عدلیه ابتدا با مخالفت روحانیان و اشراف مواجه خواهد شد. زیرا روحانیان اقتدار خود را از دست خواهند داد و نیز نمی توانند مساوات و برابری را تحمل کنند و در برابر قانون با مردمان عادی برابر باشند. پس این دو گروه دشمنان نوسازی و اصلاحات در کشور هستند (شفق سرخ، س ۲، ش ۳۶، ۶ اسد ۱۳۰۲ ه.ش).

ستاره/ایران، وزارت عدلیه را از مهم ترین ارکان مملکت می خواند و نوسازی در آن را زیر بنای ترقی و تکامل کشور در همه ی زمینه ها می داند: «...تجارت و اقتصاد که به عقیده هر متفکری اولین طریق اصلاح یک مملکت است متوقف بر عدلیه صحیح بوده و اگر ما عدلیه منظمی نداشته باشیم ممکن نیست بترقی تجارت و اصلاح اقتصادیات خود قدم برداریم...». اصلاح عدلیه را از نظر سیاست خارجی نیز مهم می داند و از جمله لغو کاپیتولاسیون را منوط بر اصلاح عدلیه برمی شمارد، زیرا باعث اعتماد دول خارجه به ایران می شود. کارشکنی های روحانیان را در موفق نبودن نوسازی در عدلیه مهم می داند و رضایت آنان را مهم به حساب می آورد و کسب رضایت از آنان را «سنگلاخ صعب العبور» می خواند و برای شروع اصلاحات خواهان نوسازی محاکم است (ستاره/ایران، س ۹، ش ۱۰۳، ۲۶ جدی ۱۳۰۲ ه.ش).

قانون^۱، در مقاله ای که در ستون «نامه های وارده» چاپ کرده است، نوسازی عدلیه را پس از مشروطه خوب می داند و اقدامات وزیر عدلیه را می ستاید. در راستای اصلاحات بیشتر از وزارت عدلیه می خواهد به این موارد: سعی در توسعه و مستقل بودن عدلیه، رسیدگی به اوضاع کارمندان عدلیه، تأسیس بازداشتگاه برای کسانی که محکومیتشان ثابت نشده است، و به اصلاح زندان های انفرادی، سریع تر کردن سیر پرونده ها توجه می کند. روزنامه ی قانون در ذیل این مطالب سخنان نویسنده را تأیید کرده، از وزارت عدلیه رفع عیوب مطرح شده را خواسته است (قانون، س ۴، ش ۴۰، ۲۵ مرداد ۱۳۰۴.ش).

پیکان اصلاح ادارات و در رأس آن نوسازی قضایی را از نقطه نظر سیاست خارجی برای ایران مهم می داند (پیکان، س ۱، ش ۳۳، ۲۹ خرداد ۱۳۰۲.ش).

قرن بیستم نیز با تأکید بر اصلاحات، نوسازی عدلیه را بسیار مهم می داند و عدم موفقیت در اصلاحات از جمله موفق نبودن نوسازی عدلیه را اوضاع نابسامان مالیه می نامد (قرن بیستم، س ۱، ش ۱۶، ۱ ثور ۱۳۰۰.ش).

نوبهار در راستای نوسازی قضایی خواستار افزایش بودجه ی وزارت عدلیه برای تهران و شهرستان ها می شود، تا پولی از بابت قضاوت از کسی اخذ نشود (نوبهار، س ۱۳، ش ۱۱، ۶ قوس ۱۳۰۱.ش).

آینده، تنها راه رسیدن ایران به آن میزان قدرت در جوامع بین المللی را که ایران بتواند قرار دادهای ننگین گذشته را ابطال کند، در امنیت داخلی و حفظ حقوق اتباع دول خارجه در مرزهای ایران می داند و رسیدن به این مهم را تنها در گرو نوسازی و اصلاحات در تشکیلات قضایی کشور برمی شمارد و نوسازی قضایی را دارای ۲ فایده ی اساسی برای کشور می داند: ۱. از لحاظ سیاست خارجی که باعث می شود ایران همسطح ملل متمدن دنیا معرفی شود و بر اعتبارات سیاسی ایران افزوده گردد، ۲. از لحاظ سیاست داخلی که باعث استقرار امنیتی می شود که نتیجه ی نوسازی قضایی است (آینده، س ۱، ش ۳، مهر ۱۳۰۴.ش).

ایران آزاد^۲ نیز اصلاحات برای عدلیه را از واجبات می شمارد و عدلیه را مظهر حکومت مشروطه می داند. از صاحب منصبان عدلیه ی تهران و شهرستان ها، به دلیل عدم رسیدگی آنان به شکایات مردم، انتقاد می کند و راه نوسازی عدلیه را وجود فردی با «قلب شجاع و

۱. قانون، تأسیس ۱۳۰۰.ش، به مدیریت رسا.

۲. تأسیس ۱۳۰۰.ش به صاحب امتیازی ضیاء الواعظین.

بازوی نیرومند» که بتواند بنیان عدلیه را از بین ببرد و آن را از نو بسازد، می داند. ایران آزاد، تنها راه لغو کاپیتولاسیون را در داشتن یک عدلیه ی مدرن و صحیح می داند (*ایران آزاد*، س ۱، ش ۴، ۲۴ دلو ۱۳۰۰ ه.ش).

تذکر نیز، ضمن چاپ بیانیه ی ۸ حوت ۱۲۹۹ ه.ش سید ضیاء الدین، بر سخنان وی صحه می گذارد و نوسازی عدلیه را از اقدامات مهم دولت قبل از هر اصلاحی می داند؛ زیرا اگر عدلیه بر مبنای حق و انصاف باشد کشور در راه نوسازی گام برمی دارد (تذکر، س ۲، ش ۱۲، ۱۰ حمل ۱۳۰۲ ه.ش).

افلاک^۱، از نوسازی عدلیه انتقاد می کند: «... اساس بقای یک مملکت و نگهبان استقلال یک کشور بسط عدالت» است. با این حال نگارنده عقیده دارد هیچ کار اساسی در این زمینه صورت نگرفته است و برای توسعه ی کشور، اصلاحات در عدلیه را از واجبات می داند (*افلاک*، س ۱(۴)، ش ۱۱، ۲۷ مرداد ۱۳۰۴ ه.ش). *ناصرالمله*^۲ با معرفی وزارت عدلیه به عنوان «مرکز فجایع و کانون فساد»، اصلاحات در تمامی وزارتخانه ها و به خصوص وزارت عدلیه را از دولت خواستار می شود (*ناصرالمله*، س ۱، ش ۱، ۱۷ قوس ۱۳۰۲ ه.ش).

نوسازی عدلیه در راستای ایجاد امنیت در داخل کشور، همچنین از نقطه نظر سیاست خارجی برای حذف کاپیتولاسیون، مورد توجه مطبوعات قرار می گرفت. در برخی از نشریات نیز این بحث در خصوص کاهش نفوذ روحانیان و استقرار سکولاریسم مطرح شده است.

نتیجه گیری

با مطالعه و بررسی مطبوعات تهران در دوران حساس پس از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش تا به سلطنت رسیدن رضا شاه در سال ۱۳۰۴ ه.ش، می توان نتیجه گرفت که اندیشه ی تشکیل دولت مقتدر و ضرورت نوسازی در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی، دغدغه ی اصلی نشریات دوره ی مورد نظر را تشکیل می داده است. تقریباً تمامی نشریات آن دوره بر لزوم نوسازی و اقتدار دولت مرکزی و اهمیت آن تأکید کرده و به خصوص بر این باور بوده اند که کشور ایران برای بقاء و تداوم خود نیازمند اصلاحات در ساختار اقتصادی و فرهنگی است. از زاویه ی دیگر، می توان گفت که هدف مقالات منتشر

^۱ این روزنامه پس از توقیف *ناهید* در سال ۱۳۰۴ ه.ش به مدیریت میرزا ابراهیم خان ناهید تأسیس شد. مندرجات و لوگوی نشریه ی *افلاک* همان *ناهید* است.

^۲ صاحب امتیاز و مؤسس این نشریه میرزا عیسی زنجانی بود. این نشریه خود را چنین معرفی می کند: «جریده ای است مستقل الافکار» و «مطالب سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی، دینی مورد بحث این جریده است».

شده، با تأکید بر ضرورت نوسازی و آرزوی دستیابی کشور به تمدن و ترقی با الگو برداری از غرب انتشار می یافت. پیشنهادات ارائه شده در این مقالات با روش های مختلف و راه حل های متفاوتی بیان شده است؛ به این صورت که برخی با نگاه تند انتقادی، برخی با چاشنی مذهب، برخی با دیدی بسیار غرب گرایانه، برخی از مطبوعات با احساسات پرشور ملی گرایی و... ضرورت نوسازی را بیان می کردند. در مطبوعات آن دوره همچنین لزوم آموزش همگانی، آسان کردن خط فارسی با هدف آسان تر شدن خواندن و نوشتن بیان شده است. ضرورت نوسازی عدلیه و ارتش نیز به دلیل آن که به امنیت و اقتدار دولت مرکزی می انجامید، از مباحث کلیدی مطبوعات این سال ها بوده است. تجلیل از ایران باستان و تأکید بر عمومیت یافتن زبان فارسی نیز از موضوعات مهم مطرح شده در راستای ملی گرایی افراطی (شوینیسیم) و اندیشه ی باستان گرایی بوده است. بنابراین، در این دوران گفتمان سیاسی مطبوعات به تدریج از مشروطه خواهی به نوسازی و اقتدارگرایی متمایل گردید. در نتیجه، آرمان های مشروطه در ابعاد توسعه سیاسی به فراموشی سپرده شد.

کتابنامه

۱. آبراهامیان، یرواند. ۱۳۸۹، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
۲. اتابکی، تورج. ۱۳۸۵، *تجدد آمرانه (جامعه و دولت در عصر رضا شاه)*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، انتشارات ققنوس.
۳. اتحادیه، منصوره. ۱۳۷۱، *حزب سیاسی در مجلس سوم*، تهران، نشر تاریخ.
۴. پرویزیان، پرویز. ۱۳۵۵، *نوسازی سیاسی ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم*، تهران، کتابخانه مرکزی.
۵. خلیلی خو، محمدرضا. ۱۳۷۲، *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضا شاه*، (بی جا)، (بی نا).
۶. ریشه، گی. ۱۳۶۸، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
۷. سردارنیا، خلیل الله، مهر و آبان ۱۳۸۹، «چرا جنبش مشروطه خواهی به جامعه مدنی پایدار و قانونمند نینجامید؟»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش ۲۷۷ و ۲۷۸، س ۲۵.
۸. شجیعی، زهرا. ۱۳۴۴، *نمایندگان مجلس در بیست و یک دوره قانونگذاری*، تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۹. شمیم، علی اصغر. ۱۳۴۲، *ایران در دوران سلطنت قاجاریه*، تهران، انتشارات ابن سینا.
۱۰. صالحی، نصرالله. ۱۳۸۷، *اندیشه تجدد و ترقی در عصر بحران ۱۲۹۹-۱۲۸۱*، تهران، انتشارات طهوری.

۱۱. صدر هاشمی، محمد. ۱۳۳۱، تاریخ جراید و مجلات ایران، تهران، ج ۴ تا ۴.
۱۲. طباطبائی، سید جواد، مهر و آبان ۱۳۸۹، «نخستین بحث های نظری درباره ضرورت اصلاحات» اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش ۲۷۵ و ۲۷۶، س ۲۴.
۱۳. قلفی، محمودحید. ۱۳۷۹، مجلس و نوسازی در ایران (۱۳۰۲-۱۳۱۱ ه.ش)، تهران، نشرنی.
۱۴. کسروی، احمد. ۱۳۷۸، تاریخ هجده ساله آذربایجان، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۵. مصلی نژاد، غلامعباس، ۱۳۸۳، جمهوری خواهی در ایران، تهران، نشر قومس.
۱۶. ملائی توانی، علیرضا. ۱۳۸۱، مشروطه و جمهوری (ریشه های نابسامانی نظم دموکراتیک در ایران)، تهران، نشرگسترده.

ب. روزنامه ها و مجلات سال های ۱۳۰۰-۱۳۰۴ ه.ش

۱. آینده، سال اول، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش؛ سال اول، ش ۲، مرداد ۱۳۰۴ ه.ش؛ سال اول، ش ۳، مهر ۱۳۰۴ ه.ش؛ سال اول، ش ۴، آبان ۱۳۰۴ ه.ش؛ سال اول، ش ۵، آذر ۱۳۰۴ ه.ش، سال اول، ش ۶، دی ۱۳۰۴ ه.ش.
۲. احشویوروش، سال اول، ش ۲، ۱۳۰۱ ه.ش.
۳. افلاک، سال اول، ش ۱۱، ۲۷ مرداد ۱۳۰۴ ه.ش.
۴. انعکاس، سال اول، ش ۳، ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال اول، ش ۱۱، ۱۹ حمل ۱۳۰۲ ه.ش.
۵. ایران، سال نهم، ش ۱۸۴۹، ۵ تیر ۱۳۰۴ ه.ش.
۶. ایران آزاد، سال اول، ش ۴، ۲۴ دلو ۱۳۰۰ ه.ش.
۷. بدر، سال سوم، ش ۲۷ و ۲۸، ۱۷ اسد ۱۳۰۲ ه.ش.
۸. بلدیة، سال چهارم، ش ۱۰، آبان ۱۳۰۴ ه.ش.
۹. پروانه، سال سوم، ش ۳، ۸ اسد ۱۳۰۳ ه.ش.
۱۰. پهلوی، سال اول، ش ۲۳، ۲۷ ثور ۱۳۰۳ ه.ش.
۱۱. پیکان، سال اول، ش ۱۶، ۹ ثور ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال اول، ش ۲۲، اجوزای ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال اول، ش ۶۰، ۲۱ مهر ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال اول، ش ۳۳، ۲۹ خرداد ۱۳۰۲ ه.ش.
۱۲. تذکر، سال اول، ش ۲، اسنبله ی ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال دوم، ش ۱۲، ۱۰ حمل ۱۳۰۲ ه.ش.
۱۳. جهان زنان، سال اول، ش ۵، میزان ۱۳۰۰ ه.ش.
۱۴. حقیقت، سال اول، ش ۹۵، ۲۱ اجوزای ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال اول، ش ۱۰۳، اسرطان ۱۳۰۱ ه.ش.
۱۵. حیات، سال اول، ش ۱، ۶ حمل ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال اول، ش ۸، ۲۹ سنبله ی ۱۳۰۱ ه.ش.
۱۶. دنیای امروز، سال اول، ش ۱، ثور ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال اول، ش ۳، اجوزای ۱۳۰۱ ه.ش.
۱۷. زنبور، سال اول، ش ۷، ۶ حوت ۱۳۰۱ ه.ش.

۱۸. ستاره/ایران، سال نهم، ش ۱۹۷، ۸ جوزای ۱۳۰۳ ه.ش؛ سال نهم، ش ۱۶۹، ۲۷ حمل ۱۳۰۳ ه.ش؛ سال نهم، ش ۱۶۸، ۲۶ حمل ۱۳۰۳ ه.ش؛ سال نهم، ش ۱۰۶، ۱ دلو ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال نهم، ش ۱۰۵، ۲۹ جدی ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال نهم، ش ۱، ۲ اسد ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال نهم، ش ۱۳۶، ۸ حوت ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال نهم، ش ۱۳۱، ۲ حوت ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال نهم، ش ۱۰۳، ۲۶ جدی ۱۳۰۲ ه.ش.
۱۹. ستاره/صبح، سال اول، ش ۶، ۳۰ تیر ۱۳۰۴ ه.ش.
۲۰. شفق سرخ، سال سوم، ش ۳۷، ۸ اسد ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال دوم، ش ۴۳، ۲۷ اسد ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال دوم، ش ۳۶، ۶ اسد ۱۳۰۲ ه.ش.
۲۱. علم و اخلاق، سال اول، ش ۴، ۴ ثور ۱۳۰۴ ه.ش.
۲۲. فروغ تربیت، سال اول، ش ۱، ۱ حمل ۱۳۰۰ ه.ش.
۲۳. فلق، سال اول، ش ۱، ۸ جدی ۱۳۰۱ ه.ش.
۲۴. قانون، سال چهارم، ش ۴۰، ۲۵ مرداد ۱۳۰۴ ه.ش.
۲۵. قرن بیستم، سال اول، ش ۳، ۳۱ ثور ۱۳۰۰ ه.ش؛ سال اول، ش ۱۶، ۱۶ ثور ۱۳۰۰ ه.ش.
۲۶. قشون، سال اول، ش ۱، ۱ حوت ۱۳۰۰ ه.ش.
۲۷. کار، سال دوم، ش ۷۱، ۱۶ میزان ۱۳۰۲ ه.ش.
۲۸. گلشن، سال پنجم، ش ۷۳، ۸ حوت ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال ششم، ش ۱۲، ۶ سنبله ی ۱۳۰۱ ه.ش.
۲۹. محشر، سال اول، ش ۱۳، ۱۱ جوزای ۱۳۰۳ ه.ش.
۳۰. مرد آزاد، سال اول، ش ۲۸، ۲۸ حوت ۱۳۰۱ ه.ش.
۳۱. میهن، سال چهارم، ش ۱، ۳۰ حوت ۱۳۰۱ ه.ش.
۳۲. ناصرالملله، سال اول، ش ۱، ۱۷ قوس ۱۳۰۲ ه.ش.
۳۳. ناهید، سال چهارم، ش ۱۳، ۳۰ جوزای ۱۳۰۳ ه.ش؛ سال چهارم، ش ۹، ۱۱ جوزای ۱۳۰۳ ه.ش.
۳۴. ندای قدس، سال اول، ش ۱، ۱ مهر ۱۳۰۴ ه.ش.
۳۵. نظمیه، سال اول، ش ۴، ۴ آذر ماه ۱۳۰۴ ه.ش.
۳۶. نویهار، سال سیزدهم، ش ۵، ۱ عقرب ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال سیزدهم، ش ۱۱، ۶ قوس ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال سیزدهم، ش ۲۲، ۸ عقرب ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال چهاردهم، ش ۲۹، ۹ جوزای ۱۳۰۲ ه.ش.
۳۷. نهضت شرق، سال اول، ش ۵، ۱۳ جدی ۱۳۰۰ ه.ش.